

تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)

شایان گلچین^{۱*}، مینا دماوندی^۲، سحر رزاق^۳

۱- دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اهواز، دانشکده معماری

۲- دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اهواز، دانشکده معماری

۳- دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد میاندوآب، معماری

Email: sha.gol@gmail.com^{۱*}, mina_damavandi@yahoo.com^۲, sahar.raragh@gmail.com^۳

چکیده

هدف از تدوین این مقاله، بررسی تأثیر فرهنگ در ساخت شهر در جوامع سوسیالیستی سابق، سرمایه داری غرب و ایران است که از طریق روش بررسی «توصیفی - تحلیلی» انجام شده است. فرهنگ سوسیالیزم سابق با تغییر ساخت شهرهای بلوک شرق - شکل، مکان، بافت و کارایی اقتصادی آن ها را دچار تحول نمود و جنبه های ساخت شهر را بر مبنای تراکم جمعیت، دسترسی به زمین و نبود تفاوت های فضایی بین گروه های اجتماعی و اتکاء به خدمات خاص بهینه قرارداد و کوچک سازی را هویت بخشید. در غرب قبل از قرن بیستم فرهنگ (مذهبی، زبانی، نژادی، طبقاتی و الگوها...) اشکال مختلف شهرهای فنودالی، قرون وسطایی، ماقبل صنعتی و صنعتی را شکل داد. بعد از آن هم مکاتب مختلف فرهنگی (مدرنیسم، پسامدرنیسم و...) اشکال خاصی از شهرها را ایجاد نموده است. فرهنگ پیش از اسلام در ایران، تحت تسلط نظام اجتماعی و الگوهای پارسی، هلنی و پارتی ریخت شناسی و ساخت خاصی از قهندژ، شارستان را پدید آورد، به نحوی که این ساخت نمودی طبقاتی داشت. در بعد از ورود اسلام به ایران، فرهنگ تحت تأثیر اصول و عناصر اسلامی شهرها و محلات و مسکن را به وجود آورده است.

واژگان کلیدی: طراحی، شهر، اسلامی، معماری

مقدمه

در دوره های مختلف تاریخی، ساخت های متفاوتی از فضاهای شهری مشاهده می شود. تفاوت در مورفولوژی و ساخت شهر، در نظام های مختلف اجتماعی - اقتصادی جهان به خصوص سوسیالیسم، سرمایه داری غرب و ایران قبل و بعد از اسلام چشمگیر است. در شوروی سابق ساخت های دوگانه در شهرهای بزرگ و کوچک به خصوص پس از شکل گیری سوسیالیسم پدیدار است. در غرب فرهنگ های قرون وسطی، رنسانس، انقلاب صنعتی و بعد از آن ساخت شهر خاصی به وجود آورده است. در ایران قبل و بعد از اسلام فضاهای شهری خاصی شکل گرفته است. به نظر می رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در ساخت شهر در هر برهه ای، فرهنگ است. این مقاله بر آن است تا به تأثیر فرهنگ در ساخت شهر در نظام های مختلف سوسیالیستی سابق و سرمایه داری غرب و ایران بپردازد.

روش پژوهش

رویکرد حاکم بر این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. ابتدا با بررسی متون و منابع مبادرت به تبیین مفاهیم و عناصر متشکله فرهنگ کرده، سپس چگونگی ساخت شهر در نظام های مختلف سوسیالیستی سابق، سرمایه داری غرب و ایران قبل و بعد از اسلام تحلیل می شود.

مفهوم فرهنگ و ساخت

فرهنگ به معنای علم و دانش، عقل، ادب، بزرگی و سنجندگی است و از «فر» و «هنگ» (از ریشه تنگ thang اوستایی) به معنای کشیدن ساخته شده است.

فرهنگ و فرهیختن در مفهوم مطابق با اجوکیت (educat) و اجور (edure) به معنای کشیدن و کشش و نیز به معنای آموزش، تعلیم و تربیت (در زبان اروپایی اجوکیشن education و در پهلوی فرهنگ farhang) آمده است (معین، ذیل کلمه فرهنگ). لغت نامه دهخدا، واژه فرهنگ را از دو جز، «فر» و «هنگ» (فر به معنای شکوه، شأن و منزلت و هنگ به معنی کشیدن و وقار) به معنی بیرون کشیدن ذکر کرده است (دهخدا، ذیل کلمه ی فرهنگ).

فرهنگ عمید واژه فرهنگ را به معنای دانش، ادب، علم، آموزش و پرورش، هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب آورده است (عمید، ذیل فرهنگ).

یک منبع دیگر معتقد است که فرهنگ از کلمه لاتین کالچر (culture) در آغاز قرن ۱۴ ه. ش به زبان فارسی راه یافته است (فرهنگ عامه، ۱۳۵۲: ۱۲).

«ادوارد تیلور» مردم شناس انگلیسی فرهنگ و تمدن را به یک مفهوم به کار برده، فرهنگ یا تمدن را مجموعه ای پیچیده از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت ها و عاداتی دانسته که انسان به عنوان عضوی از جامعه می پذیرد بنابراین، در یک جمع بندی «فرهنگ به همه نهادها، فنون، هنرها، رسوم، سنت ها، ادبیات، اعتقادات (حسینی کازرون، ۱۳۷۳: ۴۲) مجموعه روش های زندگی مشترک گروهی از مردم که همانندی در رفتار، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب و تکنولوژی (شکویی، ۱۳۷۴: ۱۲) دارند»، اطلاق می شود.

کلمه ساخت از کلمه استراکچر (Structure) و از فعل استرر (Stuere) به معنای ساختن و بنا کردن اخذ شده که تا قبل از قرن ۱۷ میلادی، صرفاً در معماری به کار می رفت. چون ساخت، رابطه ای ثابت و پایرجا میان عناصر و اجزای یک مجموعه است، هنوز در مفهوم آن ابهاماتی است. مثلاً از دیدگاه نظریه های متعدد به خصوص «رادکلیف براون» ساخت دارای مفهومی انتزاعی و مبتنی بر

تحلیل وضعیت های اجتماعی و واقعی است ، در صورتی که ماکس وبر ساخت را طرح منطقی روابط انتزاعی می داند که شالوده یک واقعیت را تشکیل می دهد (توسلی ، ۱۳۷۰: ۲) .

رابطه فرهنگ و ساخت شهر

سه عامل فرهنگ ، اقتصاد و اقلیم ، مشخصه های کالبدی ، شکل ، ساخت و ریخت شناسی شهری را به وجود می آورند . فرهنگ های متفاوت ، نظام های اقتصادی متفاوتی را خلق می کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند. چون درک کامل یک ساخت و یک نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست . می توان گفت که فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد ، و اقتصاد آن جامعه نوع تکنیک ، و نوع تکنیک ، ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می سازد. بدین ترتیب سه فرهنگ اسلام ، غرب و سوسیالیسم که دارای نظام های اقتصادی - اجتماعی متفاوت از یکدیگرند، ساخت شهری متفاوتی را خلق کرده اند.

فرهنگ سوسیالیسم و ساخت شهر

فرهنگ سوسیالیسم نظام اقتصادی اجتماعی - کالبدی بلوک شرق را تغییر داد . در نظام سوسیالیستی ، اقتصاد جمعی است که به قدرت دولت مرکزی نیاز دارد و وظیفه ی آن تعیین اهداف اقتصادی مشخص ، رفع نابرابری ها و از بین بردن مالکیت خصوصی است . در شوروی سابق ، به عنوان نمادی از سوسیالیسم ، شکل ، مکان ، بافت و کارایی اقتصادی شهرهای کوچک و بزرگ عیناً از سیاست ها و تجاربی تأثیر می پذیرفت که از نظر تاریخی از مسکو آغاز شده ، به صورت سلسله مراتبی به واحدهای روستایی می رسید و نیروی محرکه ی این راهبردها را فرهنگ و برنامه ریزی سوسیالیسم تشکیل می داد (Underhill, 1990: 263). جنبه های اصلی ساخت شهر در شوروی سابق تحت تأثیر تراکم بالای جمعیت ، دسترسی به زمین ، عدم وجود تفاوت های فضایی بین گروه های اجتماعی ، نظم و ترتیب نسبی از نظر خدمات عمومی ، ساختار شغلی مشخص ، اتکا به حمل و نقل عمومی ، تمرکز کامل سیاست ، نبود رقابت فردی در چشم اندازهای شهری و سیاسی ، سرانه ی پایین و جدایی گزینی اکولوژی قرار داشت (French , 1976: 10). از این رو، در فرهنگ سوسیالیسم ، احداث ویلاهای شهری باغچه دار و منازل تک خانواری در شهرهای بزرگ مجاز نبود . اما بعد از سقوط سوسیالیسم دگرگونی هایی در ساخت فضایی - کالبدی شهرها و توسعه جوامع محلی به وجود آمده که بر شکل ، تراکم و تنوع شهرها تأثیر گذاشته است . از نظر فرهنگی ، برنامه ریزان شوروی سابق در ساخت شهرها، مدل عقلایی محله ، شهر و منطقه ی مادر شهری را به کار بسته در آخرین روزهای حیات سوسیالیسم وعده ی الگوی «انسان - مرکز» را در ساخت چشم اندازها دادند (264 Underhill, 1990). در مجموع ، فرهنگ سوسیالیسم از یک طرف ساخت نوعی خاص از نظام فضایی شهرها را به وجود آورد و از طرف دیگر نظام کالبدی دو پاره با دو فرهنگ مشخص داشت .

فرهنگ غرب و ساخت شهر

ساخت شهرهای غرب از عوامل تاریخی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی تأثیر پذیرفته ، به نحوی که بسیاری از شهرهای اروپا، تنها کانون بزرگ فرهنگی ملت های اروپا بوده است (Mingeone, 1981: 127). مطالعاتی که توسط «هارلن بارز» از مکتب شیکاگو در مورد شهرهای امریکا صورت گرفت و بعداً به وسیله «کارل ساور» از «مکتب برکلی» تکمیل شد، نقش گروه های فرهنگی ، مذهبی و زبانی را در شکل دهی سازمان فضایی - کالبدی (شهر، محله ، مسکن) مؤثر می داند و معتقد است که چشم اندازهای فرهنگی در کالبد چشم اندازهای طبیعی و به وسیله ی گروه های فرهنگی شکل می گیرند. پس در غرب فرهنگ یک عامل مسلط است و منطقه ی طبیعی به مثابه زمینه ساز، عمل می کند. بنابراین فرهنگ نتیجه کار است و نظام کالبدی ، الگوها و ویژگی های فرهنگ جامعه را تبیین می کند (Martin, 1972: 293). «میجل کانزن» در سال ۱۹۷۸، تفاوت های فرهنگی را در داخل شهرها و میان شهرها در شکل دهی شهرها به عنوان عوامل اصلی ذکر می کند. وی ضمن اشاره به تأثیر «داروینیسیم اجتماعی» بر زندگی مردم آمریکا، به نقش عوامل سیاسی و زمینه های فرهنگی در

مورفولوژی شهرها اشاره می کند (۲۹۳: ۱۹۷۳، Onzen). پس تمام نظریه پردازانی که مورفولوژی و نظام اکولوژیک شهرها را در غرب بررسی کرده، از مکاتب گوناگون به تحلیل آن پرداخته اند، به تأثیر فرهنگ غرب در ساخت ها و نظام کالبدی و جدایی گزینی اکولوژی اشاره مستقیم دارند که از آن جمله می توان به «رابرت پارک» از «مکتب شیکاگو»، «لوییزورث» جامعه شناس شهری، و «آموس هاولی» از «مکتب نئو اکولوژیک» اشاره کرد. در این خصوص «آرمان گرایان» برای عامل فرهنگ و ایدئولوژی نقش بیشتری قایلند. امروزه نیز تسلط عامل فرهنگ و ایدئولوژی را به وضوح می توان در شهرهای قرون وسطایی، فئودالی، رنسانسی، صنعتی و فراصنعتی دید. از انقلاب صنعتی تاکنون مکاتب فرهنگی متعددی در چشم اندازهای شهری و مکانی مؤثر بوده، به طوری که دیدگاه های مکاتب شهرسازی آرمان گرایی، اصلاح طلبی، فرهنگ گرایی، نوگرایی، فرانوگرایی، تکنوتوپ، فراتر از فرانوگرایی نوعی خاص از نظام بشری را ارائه می کند.

فرضاً، مکتب فرانوگرایی، نوعی شهرسازی کثرت گرا را مطرح ساخته، محیط زیست را به کاربری ها و سبک های ساختمانی نامتناسب سوق می دهد و از وحدتی که در مکان های منظم ساخت اجداد و پیشینیان وجود دارد، کاملاً تهی می سازد. در مکتب «فراتر از نوگرایی» سنت ها دوباره کشف می شوند. در این مکتب شهرها بر اساس مسکن، صنعت، تجارت، تفریح و منطقه بندی جمعی بر اساس ایمان و دلسوزی ساخته می شوند. می توان گفت که مکاتب فرهنگی دیگری همانند مکتب دوگانگی (ثنویت)، اثبات گرایی، تجربه گرایی، سرمایه داری، مصرف گرایی، خردگرایی، نسبت گرایی، کلان گرایی، انحصارگرایی، بدبینی، هرکدام ایدئولوژی خاصی در ساخت های شهری و خلق چشم اندازها دارند (ترنر، ۱۳۷۶: ۱۶-۲۰). در مجموع، برنامه ریزی شهرهای سرمایه داری مبتنی بر تولید، مدیریت، ایجاد مسکن خصوصی، جاده، راه آهن، شبکه های ارتباطی و پارک ها است (Campbell, ۱۹۹۷: ۱۹).

فرهنگ اسلامی و ساخت شهر

قبل از پرداختن به تأثیر فرهنگ اسلام بر سازمان فضایی - کالبدی شهری، مروری اجمالی بر تأثیرگذاری فرهنگ قبل از اسلام بر این ساخت ها در ایران ضروری می نماید.

اصولاً شیوه ی شهرسازی ایرانیان قبل از اسلام بر سبک های به خصوصی استوار بوده، در هر دوره متناسب با فرهنگ آن ها، الگویی خاص وجود داشته است.

در دوره ی ماد (قرن ۷ قبل از میلاد)، سبک پارسی حاکم بود که دگرگونی های شهر از تغییرات قدرت سیاسی و اقتصاد مبتنی بر (غارت - دفاع) نشأت می رفت و فرهنگ مذهبی یا مقوله جهان بینی در ساخت های فضایی - کالبدی تأثیر زیادی داشت.

در دوره ی هخامنشیان، سبک پارسی متداول بوده و فرهنگ دودمانی تأثیر اساسی بر جای گذاشته است در این دوره، شهرها بر اساس اعتقادات مذهبی و به شکل مربع احداث می شده است. وجود قصرهای حکومتی با دیوارهای سنگی و استحکامات نظامی گویای نقش فرهنگ طبقاتی در شهرسازی آن دوره است.

در دوره ی اسکندر و سلوکیان (قرن ۳ ق. م) سبک هلنی - پارسی رایج شد و شهر را بر مبنای اختلاط دو فرهنگ شرق و غرب احداث می کردند، به طوری که با شهرهای قبل از خود تفاوت آشکاری داشت.

در دوره ی اشکانیان (قرن ۴ ق. م) سبک پارسی معمول و نظام فضایی - کالبدی بر فرهنگ طبقات اجتماعی و کمرنگ شدن فرهنگ یونانی مبتنی بوده است. در این دوره نظام سلسله مراتب فضایی با دیوارهای محصور از مرکز شهر تا حاشیه به صورت جدایی گزینی طبقات اجتماعی، شامل خاندان سلطنتی، درباریان، صاحب منصبان، مغان و روحانیون، پیشه وران، روستاییان و بردگان بوده است. در دوره ی ساسانیان هم ساخت شهر بر مبنای فرهنگ طبقاتی مشتمل بر پادشاهان، درباریان، موبدان، نظامیان، دبیران، دهقانان، به صورت جدای از هم شکل گرفته است (حبیبی، ۱۳۷۶: ۵-۲۵).

بدین ترتیب، نظام فضایی - کالبدی شهر در قبل از اسلام شامل سه بخش «کهندژ»، «شارستان» و «سواد» (حومه) بوده، ضمن اینکه بخش کهندژ، محل سکونت پادشاه، حکام و درباریان بوده و اغلب در بهترین نقطه ی شهر و در سطحی بالاتر از سایر نقاط قرار داشته توسط دروازه به خارج متصل می شده است. این بخش نظامی خودکفا داشته و از برج و بارو و خندق برای حفاظت ساکنانش برخوردار بوده است.

بخش دوم شهر یا شهرستان ، در دوره ی مختلف شاهنشاهی چهره ی متفاوت داشته ، محل سکونت دبیران ، مغان ، روحانیون ، کسبه ، و شهروندان و دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بوده است . در حومه ی اغلب شهرها و روستاها، سکونتگاه هایی برای کشاورزان و گاه پیشه وران احداث می شده که به سواد یا حومه معروف بوده است (سلطانزاده ، ۱۳۶۵: ۶۸).

اما فرهنگ اسلامی با شعار برابری ، برادری ، و تحرک عمودی و افقی ، باعث پویایی جامعه شهری و پویایی مردم در جامعه شهری گردید، به نحوی که میان مفهوم شهر و فرهنگ اسلامی در ابتدای امر روابط نزدیکی برقرار گردید و در شهر اولین دولت اسلامی تشکیل شد. فرهنگ اسلامی برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش های آن اهمیت قایل بود. از این رو، همه دستورات و قوانین به گونه ای برنامه ریزی شده ، ساخت شهرها را تحت تأثیر قرار داد و به مورفولوژی آن ها هویت ویژه ای بخشید که با شهرهای دیگر نواحی دنیا متفاوت است (شکویی ، ۱۳۷۴: ۱۸۸).

سیاست خاص اسلام در دوره ی نخستین امپراتوری اسلامی بر توسعه ی شهرهای موجود (ری ، اصفهان و دمشق) با رنگ و بوی اسلامی و ایجاد شهرهای نوین (کوفه ، بغداد، سامه ، شاه جهان) مبتنی بوده است (حبیبی ، ۱۳۷۶: ۴۱). بدین ترتیب تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت فضایی شهر در دو مقوله زیر قابل بررسی است:

الف) تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه ی سازماندهی آن .

ب) تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن

تأثیر فرهنگ اسلام در پیدایش شهر و نحوه ی سازماندهی آن همواره ناشی از عناصر زیر بوده است (سلطان زاده ، ۱۳۷۳: ۴۲) :

مسجد جامع ، بازار، مساجد محله ای ، مدارس ، خانقا، مقابر، حسینیه و تکیه ها، نوع مذهب ، اوقاف و تشویق مردم به احداث بناها و تأسیسات خیریه .

تأثیر فرهنگ اسلام در ساخت مسکن مبتنی بر اصول زیر بوده است :

اصل باحجابی ، اصل درون گرایی ، اصل سادگی ، اصل خودکفایی ، اصل تطابق با محیط ، اصل نهی از منکر ، اصل توجه به خانواده فرهنگ اسلامی برای تحقق آرمان هایش به شهر نیاز دارد و نخستین مکانی که ساخته می شود، مسجد است . مسجد علاوه بر نقش مذهبی ، دارای نقش اجتماعی ، سیاسی و هنری است . احداث مسجد جامع ابتدا منحصر به شهرها می شد و روستاها دارای مسجد جامع نبودند. دارا بودن مسجد جامع یکی از خصوصیات حقوقی شهر نسبت به روستا بود. در قرون بعد در برخی از روستاهای بزرگ از جمله بلخ و اصفهان مسجد جامع ساخته شد (عبدالله بن عمر ، ۱۳۵۰: ۲۰).

دومین عامل اصلی در شکل گیری شهرهای دوره اسلامی ، « بازار » است که گرداگرد مسجد را گرفته ، در اطراف آن محلات شهری قرار می گرفت و اغلب گویای خاستگاه های قومی ، نژادی ، مذهبی و قبیله ای بود که در اوایل هر کدام ، مسجد، بازارچه ، مدرسه و حمام مخصوص به خود داشتند. در شهر اسلامی بازار از میدان اصلی (مقر حکومتی) به سوی دیوار و بارو ادامه می یابد و سپس در ورای آن تا حدی گسترش پیدا می کند. بازار علاوه بر تنوع کارکردی با کاروان سراها و میادین خاصی در ارتباط است . بنابراین ، قبل از آنکه محل های ساخته شود، مسجد و بازارچه آن ساخته می شد و سپس مردم به صورت آزاد در اطراف آن سکنی می گزیدند (حبیبی ، ۱۳۵۰: ۲۰).

از قرن سوم هـ . ق به بعد، مدارس با کارکرد آموزشی ، فراگیری علوم دینی ، هدایت مردم ، اداره امور شرعیه و استنباط احکام فقهی ، احداث گردید. معمولاً بعد از ساخت مدارس موقوفاتی برای آن ها در نظر گرفته می شد که این مدارس در شکل گیری بافت شهری نقش عمده ای داشتند (سلطان زاده ، بی تا) .

«خانقاه» محل اقامت صوفیان و محلی برای ادای مراسم مذهبی بود که در کنار آن بناهای متعددی احداث می گردید (ابن بطوطه ، ۱۳۵۹: ۱۲۱۳). این عنصر هم در توسعه ی شهری نقش عمده ای داشت . مهمترین بناهای اسلامی که در شکل گیری دینی بافت شهرها و محلات مؤثر بوده ، مقبره های بزرگان دین و علما است . بعضی از این مقادیر به مجموعه های شهری تبدیل گردیده (شاه چراغ در شیراز، حضرت معصومه در قم ، امام رضا در مشهد، عبدالعظیم در ری) تا تسهیلاتی در اختیار زائران قرار دهد.

حسینیه ها و تکیه ها، فضایی ساده در داخل محله بوده که به منظور تجمع برای مراسم مذهبی و اجتماعی به وجود آمده و عمدتاً کارکرد مذهبی داشته است .

نوع مذهب ، عوامل اقتصادی ، طبقاتی ، قومی ، زبانی و صنفی از جمله دیگر عوامل مؤثر در شکل گیری محله های مسکونی بوده است . در هر شهر، محله هایی برای هر یک از گروه های مذهبی مانند شیعیان ، شافعیان و حنفی ها به چشم می خورده است . وقف یکی از احکام و اصول مهم اسلام و مشوق مردم به احداث بناهای مذهبی و عمومی است و علاوه بر سایر پیامدها سبب عمران شهری می گردد.

بناهای مذهبی مانند مسجد، مدرسه ، خانقاه ، تکیه ، حسینیه ، کاروانسرا، دارالشفاء، دارالضیافه ، آب انبار، سقاخانه ، و آسیاب با توجه به نهاد وقف نیز به تعداد فراوان ساخته شد (سلطانزاده ، ۱۳۷۲: ۲۸) . از نمونه های وقف مجموعه ی آستان قدس رضوی است که نقش مهمی در توسعه ی شهر مشهد داشته است .

در مواردی که یک یا چند بنای بزرگ مذهبی یا عمومی به عنوان موقوفه ساخته می شد، برای تأمین هزینه های مربوط به اداره ی بنای موقوفه ، تعدادی بنای تجاری و خدماتی در کنار آن احداث می شد تا درآمد آن ها وقف بناهای مورد نظر گردد.

می توان گفت که با ورود فرهنگ اسلام ، برابری ، عدالت اجتماعی و نفی فرهنگ طبقاتی ، دیوارهای کالبدی شارستان یا به عبارت روشنتر سلسله مراتب اجتماعی شهری فرو ریخت و ربض یا حومه های شهری آباد گردید.

بین قرن ۱ تا ۴ هـ . ق سازمان شهری بر مبنای حکومت ، مذهب ، اصناف و امت شکل گرفت ، که هر کدام تبلور فضایی خود را داشتند، یعنی حکومت در ارگ ، مذهب در مساجد و مدارس و زوایا و تکیه ها و خانقاه ها، اصناف در بازار و بازارچه ها و امت در محلات کالبدی جای می گرفتند. در قرن دوم هـ . ق اولین دولت ایرانی که تشکیل شد، بسیاری از محققان از آن به عنوان تجدید حیات علمی و ادبی ایران در دوره اسلامی یاد کرده اند (حبیبی ، ۱۳۷۶: ۲۰) .

این نهضت به مدت ۴ قرن در حکومت های مختلف ادامه داشت که آغاز آن دوره ی سامانی ، اوج آن دوره ی آل بویه (قرن ۴ هـ . ق) و حضیض آن دوره ی خوارزمشاهیان در قرون ۶ و ۷ هـ . ق است . این نهضت که در زمینه های ادبی ، آموزشی ، دیوانی ، تصوف و مذهب صورت گرفت ، چهار قرن بعد از افول آن در اروپا (ایتالیا) با عنوان رنسانس آغاز شد. در تبیین این نهضت ، عواملی همچون به هم ریختن نظام کاستی و جایگزینی فرهنگ اسلامی ، آمیختن تمدن های یونانی و مصری و هند و ایرانی در ترکیبی از فرهنگ های مختلف محلی از بلخ تا اندلس چون ماده ای خام در تفکر و جهان بینی اسلامی ، و اختراع کاغذ در چین و رسیدن به سمرقند و تکثیر نظریه ها و امکان برخورد آرا و عقاید بسیار مؤثر بوده است .

در دوره ی سامانیان سازمانی نوشکل می گیرد و ربض گسترش می یابد و بازار در حرکت خویش به سوی دروازه های شهر، محلات متفاوت را می آفریند. در اواخر قرن دوم هـ . ق (۱۰ میلادی) میدان های بزرگی ساخته می شود که در اطراف آن دیوان های مختلف ، کاخ حکومتی ، مسجد جامع و بازار برپا می گردد (میدان کهنه اصفهان) . از قرن ۴ هـ . ق در دوره ی آل زیار و آل بویه با ایدئولوژی مذهبی - بومی تحول کلی در ساخت شهر به وجود می آید و انقلاب فرهنگی به انقلاب شهری منجر می شود و شهر با مفاهیم اسلامی متعلق به تمام گروه های اجتماعی می گردد .

در قرن ۵ و ۶ هـ . ق در حکومت سلجوقی ، نظریه پردازانی همچون امام غزالی و خواجه نظام الملک نظریه دولت و محروم بودن ملت به معنای کامل رعیت و مالکیت سلطان را تبیین می کنند و در ساختار شهر گسترش شهر بر مبنای سازمان اجتماعی - عقیدتی حاکم صورت می گیرد و سازمان فضایی شار به مفهوم منطقه بندی کهن مراکز حکومتی ، محلات اعیان و اشراف ، بازار و محلات قومی - نژادی باز می گردد. کالبد شهر در دوره ی عبارت است از میدان اصلی و بزرگ در میانه ی شهر که در پیرامون آن کاخ ها، دیوان ها، مسجد جامع و گاه بیمارستان قرار دارد و دهانه ی اصلی بازار به میدان باز می شود و گرداگرد این مجموعه محلات شهری شکل می گیرد. مدارس و مساجد هم درهای خود را به روی بازار یا گذرهای اصلی می گشاید. هر مدرسه ، مسجد و موقوفات خاص خود را دارد و شهر درون دیوار است .

در قرن ۷ تا ۱۱ هـ. ق یعنی عنصر پس از حمله مغولان، دوره فروپاشی در شهر و نظام کالبدی و بسته شدن دفتر چهارصد ساله نهضت علمی - فرهنگی ایران دوره ی اسلامی است. تنها در اواخر تسلط مغولان و در زمان هلاکوخان، غازان خان، گورکانیان به جای شبکه ی شهری کم کم نظام تک شهری و متمرکز به وجود می آید که تبریز نمونه به جا مانده از آن است. در این دوره سبک آذری در هنر و ادبیات و معماری جای خود را باز می یابد. در قرن ۱۱ تا ۱۳ هـ. ق شکل گیری حکومت های «سربداران» در خراسان و خاندان شیخ صفی در اردبیل و قره باغ، نشانه هایی از نوعی اتحاد عقیدتی است (هیلتس، ۱۳۶۸: ۱۲۶). ضمن اینکه در باب حکومت نیز نظریه ها و تفاسیری از مذهب شیعه به کار گرفته می شود. ساخت شهر در این دوران تا زمان قاجار بر مبنای «مکتب اصفهان است». آنچه در این دوران بر مفاهیم قبلی شهرسازی اضافه شده، پیدایش مفهوم خیابان است که یا راه به میدان اصلی شهر می برد یا به موازات آن کشیده می شود. این مکتب تحقق «آرمان - شهر» دولت صفوی است که «شار» منتج از آن بیانگر استخراج و آمیختگی سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و مفاهیم دیوانی و مذهبی است.

در بیان مقایسه می توان «سبک اصفهان» را با «سبک باروک» اروپا بعد از رنسانس (قرن ۱۸ م) تطبیق کرد، با این تفاوت که سازمان دیوانی دولت و سبک هندی - فرهنگی ناشی از آن، با سازمان دولتی و سبک هندی - فرهنگی اروپا در شهرسازی دوره ی رنسانس - که هم عصر صفویه است - هنوز گامی به جلو دارد. در مکتب اصفهان مجموعه ی زیستی دارای یک میدان یا مرکز ثقل می شود (چیزی که در دوره ی رنسانس و سبک باروک اروپا دیده نمی شود) و عناصر اصلی حکومتی، دیوانی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی در کنار آن جای می گیرد. در این دوران در هر شهر و روستا، هر کوی و برزن، و محله و ناحیه، میدانگاه کوچک و نه همیشه هندسی احداث می شود. این میدانگاه ها با کارکردهای متنوع، مکان هایی است که کوچه های اصلی و گذرهای عمده بدان می رسند و در اطراف آن گرمابه، مسجد، مدرسه، آب انبار و بازارچه قرار می گیرد که در صورت وجود «مزار»، این مزار به عنوان یکی از عناصر اصلی این مکان مرکزی سازماندهی می شود.

اواخر قرن ۱۱ هـ ق و دوره ی ایلغار افغان، نقطه پایانی است بر حیات شهری به نحوی که شهر ایرانی دوره ی حسیض و شهر اروپایی دوره ی جهش تاریخی خود را آغاز می کند و به سوی ایجاد بستر لازم برای تجلی انقلاب صنعتی گام برمی دارد. در دوره ی قاجار علی رغم تحولات مختلف در جهان و ایران و گرفتار آمدن سازمان اقتصادی ایران، در حیطه ی سازمان اقتصادی جهان، سازمان فضایی کشور به جز تهران دگرگونی های عمده ای نمی یابد. در این دوره سازمان فضایی شهر تفاوت عمده ای با دوران صفوی و مکتب اصفهان ندارد.

در این دوره عمده ترین اقدامات شهری در پایتخت انجام می گیرد. تهران در سده ی ۱۹ میلادی و همزمان با حکومت فتحعلی شاه تحت تأثیر توسعه ی برون زا و تغییرات عمده فرهنگی - اقتصادی در مقیاس جهانی و نیروهای فرهنگی، هنری بومی بستر اتفاقاتی چند می شود. در این ایام کم کم سبک های جدید هنری - فرهنگی با روش های کهن در هم آمیخته می شود و نوعی التقاط به وجود می آید. حاصل این التقاط در فضای جدید شهری «مدرسه ی دارالفنون»، تکیه ی دولت، خیابان های جدید و میدان ها است (حبیبی، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

در دوره ی ناصری با سبک و ارزش های فضایی جدیدی روبرو می شویم که سبک تهران نام دارد. نقطه عطف «سبک تهران» را باید در تأثیرپذیری از اروپا، اقدامات اصلاح طلبانه ی امیرکبیر، سفرهای متعدد هیأت حاکمه به اروپا، و حضور معلمان و مهندسان اروپایی جستجو کرد که ساخت و سازمان فضایی - کالبدی را در تهران به ارمغان آورد. تهران تا سال ۱۲۵۶ هـ ق هنوز دارای مشخصات کامل سبک فرهنگی اصفهان است که عناصر اصلی آن ارک باحصاری در پیرامون، مساجد و مدارس، بازار و میدان و محلات است. اما از سال ۱۲۷۰ هـ ق به بعد سبک تهران با تفاوت عمده با سبک اصفهان در تهران و بعضی شهرها (یزد) به کار گرفته میشود. برای اولین بار خیابان با الگوی فرهنگ اروپا به خصوص فرانسه ی عصر صنعت، مفهومی جدید به عنوان مکان تجارت و بازرگانی می یابد. در سبک تهران، محله به عنوان عنصر اصلی سازمان شهری هنوز نقش دارد، اما به عکس مکتب اصفهان محل تظاهرات قومی - نژادی نیست. در این ایام بناهای متعدد به سبک اروپا ساخته می شود (تلگرافخانه، شمس العماره، برج ساعت، تماشاخانه، سینما، هتل،

باغ وحش ، کنسول گری ها و...) بدین ترتیب سبک تهران به عنوان اختلاط فرهنگی تمدن شرق و غرب در اواخر دوره قاجار زمینه ساز ساخت های فضایی - مکانی میگردد.

در دوره ی پهلوی ۱۳۵۷-۱۲۹۹ هـ.ش با دگرگونی های فرهنگی در راستای توسعه ی برون زا - مبتنی بر مکتب نوگرایی و الگوی رفتاری بیگانه - شهر به عنوان تبلور فضایی - کالبدی این دگرگونی ، ارزش های کهن و پایدار سازمان فضایی خویش را به دور می افکند و تغییرات عمده ی عینی و مادی در کالبد آن رخ می دهد. اگر در سبک تهران دوره قاجار در هم آمیختگی مفاهیم فرهنگی غرب و شرق با تفوق شرق پایان می پذیرد، در الگوی تهران دولت پهلوی ، این آمیزش به نفی شرقی و غلبه کامل فرهنگ غرب و مظاهر کالبدی آن ختم می شود. در این فراشد «شهر - وابسته» نیز تولد می یابد. «شهر - وابسته»، «شهر - سوداگر»، به سرعت به «شهر - تقلید»، «شهر - نیرنگ» تبدیل می شود که کلاً از بیرون و مترادف فرهنگ وارداتی است که در سبک تهران دولت پهلوی ، مفهوم اروپایی شهر نیز قلب ماهیت می یابد. در واقع ، در دوره ی ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هـ.ش با اتکاب فرهنگ نوگرایی سازمان فضایی ، کالبد شهر از درون دگرگون می شود و تغییرات عمده در بافت های کهنه شهری به وجود می آید و ایجاد خیابان به عنوان نماد تجدید منطبق با نظریه ی نوگرایان ۱۹۲۰ میلادی اروپا در ایران دیده می شود.

در فاصله ی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ هـ.ش حضور فرهنگی در سبک بین المللی در ساختار فضایی کالبدی شهر توسط دانش آموختگان از فرنگ برگشته همانند مجموعه های یوسف آباد، نارمک ، منظریه ، تهران پارس به کار گرفته می شود (حبیبی ، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

در سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ هـ.ش متعاقب حضور مستشاران خارجی و مهندسان مشاور داخلی خارجی ، و ایجاد قطب های صنعتی و معمولاً بی هویت دگرگونی عظیمی در شهر و ساختار فضایی - کالبدی آن به وجود می آید که «شهر - سوداگر» و «شهر - مسأله» حاصل آن است . در دوره ی ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ با اجرای طرح های جامع مبتنی بر مکتب نوگرایی و تفکر شهر بی زمان و مکان و بی توجه به گونه های طبیعی و انسانی و میل به جهانی شدن و رانت های نفتی و گسترش خیابان به حاشیه ی شهرها، یک سازمان فضایی - مهاجرتی بی رویه هویت می یابد و نوعی ناکجاآباد غرب گرایانه پی افکنده می شود به نحوی که شهر از نظر معنایی از درون تهی می گردد.

نتیجه گیری

فرهنگ به مثابه ی نهادها، فنون ، هنرها، رفتار مشترک گروهی ، اقتصاد و ایدئولوژی در نظام های مختلف تأثیرات خاصی در ساخت شهرها به جای گذاشته است . فرهنگ سوسیالیسم ، شکل ، مکان ، بافت و کارآیی اقتصادی شهرها را تغییر داد. تراکم بالای جمعیت ، سرانه ی پایین عدم وجود تفاوت های فضایی ، نظم ، دسترسی به خدمات عمومی ، حمل و نقل عمومی و مدل محله ، شهر، منطقه ، مؤلفه های اساسی در ساخت شهر هستند. فرهنگ سوسیالیسم نظام اجتماعی - اقتصادی و کالبدی شهرهای بلوک شرق را تغییر داد. مؤلفه های این فرهنگ برابری ، عدالت اجتماعی ، سرانه ی پایین کالبدی است . در غرب ، فرهنگ به عنوان یکی از مؤلفه های مسلط و منطقه ی طبیعی به مثابه ی محیط زمینه ساز عمل کرده است . بنابراین فرهنگ به عنوان نتیجه ی کار، نظام کالبدی ، الگوها و ویژگی های جامعه را تبیین می کند. در ساخت شهرهای غرب مکاتب فرهنگی متعددی که مبین و محصول فرهنگی آن هاست ساخت شهرها را به وجود آورده است .

در ایران چه در قبل و چه در بعد از اسلام سبک های خاص فرهنگی نوع خاصی از شهرها را ایجاد کرده است . به عنوان نمونه شهرهای هخامنشیان ، سلوکیان بر مبنای سبک های پارسی و هلنی - پارسی ساخته شده است .

در دوره ی اشکانیان و ساسانیان نظام فضایی - کالبدی شهر بر مبنای فرهنگ طبقاتی و کمرنگ شدن فرهنگ یونانی و به صورت جدایی گزینی طبقات اجتماعی مبتنی بوده است . اساساً ساخت شهر در قبل از اسلام به صورت کهنه‌دژ، شارستان و سواد بوده است که در هر کدام از این سه مکان گروه های خاص محل های خاصی را در اختیار داشته اند. فرهنگ اسلام با مؤلفه های خاص خود، شکل خاصی از شهرها را آفرید. تأثیر فرهنگ اسلام را در پیدایش و سازماندهی شهرها، ساخت مسکن ، می توان به وضوح مشاهده کرد .

مؤلفه های اساسی فرهنگ اسلامی در ساخت شهر را می توان ، مسجد، بازار، بازارچه ، مدرسه ، خانقاه ، حسینیه و مقابر برشمرد که شغل ، مکان ، بافت و کارکردهای فضای شهری متأثر از آن هاست . نوع مذهب ، عوامل اقتصادی ، طبقاتی ، قومی ، زبانی و صنفی عوامل مؤثر در شکل گیری محلات بوده است . فرهنگ وقف رد ساخت مساجد، مدارس ، خانقاه ، تکایا، کاروان سراها، دارالشفاء، آب انبارها و آسیاب ها در شکل گیری شهرها بسیار مؤثر بوده است . در اواخر دوره ی قاجار نطفه ی نوعی التقاط فرهنگی متأثر از فرهنگ های بیرونی در ساخت شهر تهران بسته می شود که در دوره ی پهلوی اول و سپس دوم نمود این مکاتب فرهنگی را در شهرهای ایران می توان مشاهده نمود. در مجموع ساخت شهرها نمودی از فرهنگ مسلط نظام های حاکم بر کشورها بوده است .

منابع و مآخذ

- ۱- ابن بطوطه : سفرنامه ابن بطوطه ، ترجمه محمدعلی موحد، جلد ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ، ۱۳۵۹.
- ۲- ترنر، تام : شهر همچون چشم انداز، ترجمه فرشاد نوریان ، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری ، تهران ، ۱۳۷۶ .
- ۳- توسلی ، غلامعباس : نظریه های جامعه شناسی ، سازمان سمت ، تهران ، ۱۳۷۰ .
- ۴- حبیبی ، محسن : از شار تا شهر ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ، ۱۳۷۶ .
- ۵- حسینی کازرون ، سیداحمد: ارتباط فرهنگ عامه با فرهنگ عمومی ، فصلنامه فرهنگ عمومی ، شماره پنجم ، تهران ، ۱۳۷۳ .
- ۶- دهخدا، علی اکبر : لغت نامه دهخدا ، جلد ۲۷ ، بی تا .
- ۷- سلطانزاده ، حسین : مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهر نشینی در ایران ، نشر آبی ، تهران ، ۱۳۶۵
- ۸- سلطانزاده ، حسین : تأثیر اسلام در ساخت شهر، مجله معماری - شهرسازی ، شماره ۲۵ و ۲۶ ، تهران ، ۱۳۷۲ .
- ۹- سلطانزاده ، حسین : تاریخ مدارس ایران از عهدباستان تا تأسیس دارالفنون ، انتشارات آگاه ، بی تا .
- ۱۰- شکویی ، حسین : دیدگاههای نو در جغرافیای شهری ، سازمان سمت ، تهران ، ۱۳۷۴ .
- ۱۱- عبدالله بن عمر، ابوبکر: فضایل بلخ ، ترجمه عبدالمحمدبن ، تصحیح عبدالحسین حبیبی ، بنیاد فرهنگ ایران ، تهران ، ۱۳۵۰ .
- ۱۲- عمید، حسن : فرهنگ عمید ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران ، ۱۳۵۰ .
- ۱۳- معین ، محمد: فرهنگ معین ، انتشارات امیرکبیر، تهران ، ۱۳۸۰ .
- ۱۴- وزارت آموزش و پرورش ، فرهنگ عامه ، ۱۳۵۲ .
- ۱۵- هیلتنس ، والتر: تشکیل اولین دولت ملی در ایران ، ترجمه کیکاوس جهانداری ، انتشارات خوارزمی ، ۱۳۶۸ .
- ۱۶- Campbell, S. and Susan Fanstein, Reading in Planning Theory, Blackwell, Oxford, 1997
- ۱۷- French, R. & F. E. Hamillton , The Socialist City, 1976
- ۱۸- Martin, M. Landscape, Man, Space, and Environment, Oxford University Press, 1972
- ۱۹- Mingione, E, Social Conflit & the City Basil , Blacwell, Oxford, 1981
- ۲۰- Onzen, C. F, Analytical Approach the Landscape Dimension of Human Geography , UCP, 1973
- ۲۱- Underhill , J, Soviet Town Planning & National Urban Poliey, No. 3